

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شمی صلواتی
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۸



دیروز صبح دیدم!

گلی که زینت زیبایی باغچه خانه ما بود بی حس، خشکیده بود خانه بدون گل سرد و خاموش بوی زندگی را با خود نداشت و دل دیگر در آن پای بند نمی شد. باغچه نیز بی رمق در عزا بود و ماهیهای کوچولوی زیبا دل و دماغی برای شیرجه نداشتند روز سختی بود، دل من در اسارت غم گیر افتاد بود / پرندی پیدا نبود و از همه مهمتر خانه ما بستر ناتوانی و نفس در سینه حبس بود. درختان باغچه همه به خواب رفته بودند. فصل بی مهرها بود خورشید چقدر زود خسته می شد و به بستر خواب می رفت. هوا تاریک، شب ارمغانش بی عاطفگی بود زمان چقدر به کندی پیش می رفت.

آیا این همه زیبایی و این همه امید به خاطرو وجود یک گل بود. مادرم می گفت «گل نماد عشق است» یک روز از مادرم پرسیده بودم نماد عشق چیست؟ و او در جواب من گفته بود «خانه دلها» و خانه دلها منزلگاه عاطفه هاست «پس این خانه پیوندی عمیقی باید با گل داشته باشد و از مادرم باز پرسیدم چگونه می شود که پیوند یک گل با خانه عاطفه را فهمید و او می گفت «چهار نوع گفتار است که انسان می تواند به خانه عاطفه ها برساند. دو گفتار زودتر می رسند و دو گفتار شاید هیچ وقت نرسند». بعضی از انسانها به وسیله چشمشان گفتنی را می گویند اینها زیبایی ها را می شناسند و منزلگاهشان در خانه عاطفه ها است و نماد عشق را می شناسند این دسته از انسانها خوشبخت ترین و خوش قلبترین اند. دسته دوم حس بویایی دارند و در ارتباط با گلها ایند که خود نماد عشقند. من این دو نگاه را دوست دارم و حالا می فهمم که وجود یک گل باید معنای بیشتر از زندگی باشد و به حال خودم دلم سوخت و بیگانگی را در خود احساس کردم چون من با لب و سر در پی ارتباطم. وای بر من، وای بر من که عمری را به خطا رفتم. شمی صلواتی